

اتوشویی

همراه بابایی میرم
مغازهی روبرویی
نوشته با خط درشت
روی درش: اتوشویی

بابا لباساشو میده
به آقای مغازه‌دار
می‌گه می‌خوام فردا برم
با این لباسا سر کار

مغازه‌دار با یک اتو
لباس‌ها رو صاف می‌کنه
اتو که خیلی گرمشه
پیف می‌کنه، پاف می‌کنه



ندبه محمدی

فاطمه صالح اصفهانی

